

فصلنامه علمی - پژوهشی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه
الزهر (س) سال سیزدهم، شماره 3، پاییز 5331، پیاپی 35

جایگاه کذب و بدعت در تضعیف غالیان

سیده زینب طلوع هاشمی¹

سید کاظم طباطبایی²

مهدی جاللی³

سید محمد امام زاده⁴

DOI: 1.022.01/tqh.2.1202022

تاریخ دریافت: 5331/7/2

تاریخ تصویب: 5331/1/22

چکیده

از دیدگاه محدثان عواما اوناوونی در پویرا روایات راویان
دخیا است ه آسیب در هر ی از آن ها میتواند منجر به تردید
در پویرا روایات راوی گردد. ارچه در شرایطی خاص میتوان از

com.yahoo@hashemi_zeinab دانشجوی د تری علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد 5.

tabatabaei@um.ac.ir) استاد اروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد(نویسنده مسئول 2.

استادیار اروه 1. ir.ac.um@jalaly.a دانشیار اروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد 3.

ir.ac.um@emamzadeh علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد

جایگاه کذب و بدعت در تضعیف غالیان 66

برخی از آسیبهای وارد شده بر متی یا سند روایات
 چشمپوشی نموده و به صحت آنها حکم نمود، اما
 دروغاویی و اشتهار راوی به بدعت ازاری به سلب
 خلا هدی ه در عدالت راوی وارد میسازند، از همله
 عواملی هستند ه از دیداه حدیث پژوهان فریقی بدون هیچ
 استینایی منجر به سقو قطبی روایات راوی از حجیت
 میارند. در ایی مقاله با تأما در شواهد و توصیفاتی ه در
 الم پیشوایان میصوم (ر) درباره راویان بیان اشته و نیز
 بررسی اقوال دانشمندان علم رها، ایی فریه به آلات
 رسیده است ه دو عاما دروغ اویی و بدعتاوری در میان
 استره راویان حدیث شیی، بیا از همه در لالیان نمود
 داشته و اشتهار لالیان به ایی دو امر از مهمتری دالیا هر
 آنان بوده است.

واژههای کلیدی: لئو، وب، بدعتاوری

مقدمه

حدیث پژوهانی ه قایا به حجیت خلر واحد هستند، برای پویرا آن شروی را
 تییبی نمودهاند ه با درنظرداشتی دیداه فریقی مجمور ایی شروی علارتند از:
 اسالم، ایمان، بلوغ، عقا، عدالت و یل . شهیدانی، 5131 ص 27 – 77؛
 خطیب بغدادی،

ص 39 – 577؛ صلی صالح، 2773 ص 522؛ مامقانی، 5155 5171،
 ج 2، ص 53-13 (ارچه در اموری چون یفیت تحقا ایی شروی و ایی ه از میان
 آنان دامی از اهمیت بیشتری برخوردار است، اتفاج نظر وهود ندارد، اما
 لزوم احراز عدالت راوی از موارد مشهور میان محدان فریقی است؛ شهید
 انی، 5131 ص 27 و 29؛ خطیب بغدادی، 5171 ص 15 و 577؛

شهرزوری، 5152 ص 91) ه اللته در تیریف و تحدید دامنه شمول مصداقی
آن میتوان دیدااه حدیثیژوهان را از دو منظر اصلی مورد توهه قرار داد؛ از
دیدااه برخی از اها تحقیا عدالت فرر بر اسالم و ایمان بوده و اتصا راوی به
ایی ویژای بیانگر اسالم یا ایمان وی نیز خواهد بود. (عاملی، 5322 ج، 5
ص1)

فصلنامه علمی - پژوهشی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهرا(س)، سال، 13
پیاپی 31 66

از ایبرو آنان در تیریف عدالت به قیودی چون اسالم، قرار نداشتی در زمره
بدعت اواران و عدم ارتکاب میاصی اشاره نموده اند.) حام نیشابوری، 5177
ص13) در مقابا اروهی دیگر از محد ان برآند ه عدالت به مینای ملکه ای
نفسانی است ه فرد را از انجام اناهان لیره، اصرار بر اناه صغیره و نیز
انجام ارهای م الف با شسون انسانی باز میدارد) شهیدانی، 5131 ص29؛
خطیب بغدادی، 5171 ص-572 573) و دروغاویی و اشتها راوی به وب
از مهمتری عواما خروج راوی از عدالت است.) وسی، 5157 ج، 5
ص519؛ خطیب بغدادی، 5171 ص573)

بر ملنای تیاریف یاد شده، ار عدالت را در مینای عام در نظر بگیریم ه عالوه
بر توییح ویژایهای رفتاری راوی بیانگر ایمان و عقیده وی نیز میباشد، یکی از
ویژایها و صفات مهمی ه منجر به لیی و رد لالیان توسد اممه میصومی (ر) و
به تلا ایی امر

هر آنان توسد رهاال شناسان اردیده است، خروج از عدالت می باشد ه بدعتاواری
و تیمد لالیان در دروغاویی و ویا روایات و انتساب روایات برساخته به امامان
شییه (ر) مهمتری شواهد آن میباشند. از ایبرو در ایی مقاله با بررسی دو
مفهوم لیدی وب و بدعت و ارامه شواهدی از منابا رهای و روایی به بیان نقا
اییدو در هر راویان متهم به للو پرداخته شده است

تأثیر کذب در جرح غالبان 1.

تبیین رابطه کذب و غلو 1-1.

در لغت حوب به نقیق صدج و هر آنچه برخال آن باشد، الج اردیده است.)فراهیدی، 5157 ج، 1 ص 317؛ ابیفراس، 5171 ج، 1 ص 527؛ ابیمنظور، 5151 ج، 5 ص 771) برخی می‌تقدند عرب برای بیان «خطا» نیز تیلیر «حوب» را به ار میبرد و تفاوتی دو تنها در نیت اوینده است؛ برخال خطا ار ه سهوا س نی م الف با واقا مطر مینماید، دروغاو از خال واقا بودن الما (مطلا است.) ابیمنظور، 5151 ج، 5 ص 773؛ فیومی، بیتا، ج، 2 ص 129 جایگاه کذب و بدعت در تضعیف غالیان 66

سید مرتبی نیز در تیریف وب می‌اویذ: «خلری است ه با م لشر تطابا ندارد به بیان دیگر حوب به خلری افته شده ه م لشری ندارد تا با آن مطابق ت نماید.»(سید مرتبی، 5171 ج، 2 ص 297) شهیدانی نیز مییار الج صدج و وب به خلری را میزان تطابا لفظ آن با واقا دانسته است.) شهیدانی، 5179 ص 11) در هر صورت آنچه ه از برآیند ابی تیریفها در تحلیا و توصیف وب در مینای عام آن حاصا می‌ارد، عدم مطابقت بیبی خلر و م لشر است.

در علم حدیث، وب یا مصنور به هر خلر بیپایه و ساختگی(شهیدانی، 5131 ص 19؛ مامقانی، 5155 ج، 5 ص 333) الج اردیده ه به رسول اهلل (ص) و یا هر ی از اممه (ر) نسلت داده شود، بدون ابی ه آن را بیان نموده باشند.) مفید، 5151 ص 517) و از ابی رو خلر مویور را بدتریی نور از انوار حدیث یییف دانسته‌اند ه روایت آن تنها در صورتی ه راوی به ساختگی بودن آن (تصریح نماید هابز است.) شهیدانی، 5131 ص 19

ارچه عواما متیددی در هر راویان مس ر هستند اما در میان آنها دروغاویی تنها عاملی است ه روایات راوی را امال از حجیت ساق مینماید؛(ابی ابیحاتم، 5375 ج، 2 ص 37؛ خطیب بغدادی، 5171 ص 33 و 573؛ وسی، 5157 ج، 5

ص 519 - 515؛ شهید انی، 5179 ص 273؛ مامقانی، 5155 ج، 2 ص 32

(- 13

چنان‌که شیخ‌وسی‌خلر راویان فطحی، واقفی، ناووسی و... را به شری‌ه‌راوی در نقاروایت‌ستایر و در ادای‌امانت‌مورد‌امینان‌باشد، در صورت‌همراهی با‌قرینه و نیز عدم‌الفت با‌روایات‌امامیه و‌اهب‌الیمادانسته‌است)، 5157 ج، 5 ص 517) اما در باب‌لالیان‌بدون‌ایی‌ه‌حتی‌بحی در صداقت‌آنان‌بنماید، شیوه‌دیگری در‌پی‌ارفته و روایات‌آنان‌را تنها در حال‌استقامت‌میتلر دانسته و در دوران‌للو‌اساسا‌قابا‌پویرا

،‌ال‌طاب‌محمد‌بی‌ابیزینب
احمد‌بی‌هالل‌علرتامی
نمیداند و عما‌شییبه‌به‌روایات‌ابی⁵

(و... را نیز خاص‌دوران‌استواری‌عقیده‌آنان‌دانسته‌است.) همان، ص 515

(ابی‌لیامری‌حتی‌در‌حال‌استقامت‌هم‌روایات‌وی‌را‌قابا‌پویرا‌نمیداند؛) ابی‌لیامری، 5122 ص 99-5
فصلنامه علمی - پژوهشی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء(س)، سال، 13
پیاپی 31 66

شهیدانی نیز دریمی‌برشمردن‌اصنا‌وایی‌حدیث، لالیانی‌مانند‌ابوال‌طاب، یونس‌بی‌ظلیان و یزید‌الصاما را از‌همله‌آنان‌برشمرده و بر‌واب‌بودن لالیان‌تأید‌نموده‌است.) شهیدانی، 5179 ص 527) میرفی‌لالیان‌به‌عنوان یکی از‌اروهای‌برهسته وایی‌اختصاص‌به‌علمای‌شییبه‌نداشته و ایی‌مسأله امری‌است‌ه‌حدیث‌پژوهان‌ها

عنوان‌میل‌سیوی‌در‌تدریب‌الراوی
خطابیه سنت‌نیز‌به‌آن‌شاره‌نموده‌اند؛ به⁵
را از‌همله

اروهای‌دانسته‌ه‌به‌سلب‌یاری‌موهب و دیداه‌خود‌به‌ویا‌حدیث‌روی‌آورده

اند. (سیوی، بیتا، ج، 5

(ص 291

بررسی گستره مفهومی و مصداقی «کذب» در منابع علم رجال 2-1.

از آنها
استفاده قرار گرفته از ایی میان³
21 تی
در رهال شکی لمه وب و
مترادفات آن در توصیف 11 تی

را راویان متهم به لّو تشکیا میدهند.

ه با توهه به سل متفاوت رهال شکی در مقایسه با سایر منابع رهالی، در ایی ا ر با متکلم
،واحدی مواهه نیستیم¹ در ایی ب ا تنها مواردی ه شکی و مشایخ
روایی وی واژه وب

و مترادفات آن را درباره راویان متهم به لّو به ابربردهاند، مورد بررسی قرار خواهیم داد
و

(از فرقه‌های منتسب به لالت.) شهرستانی، 5151 ج، 5 ص 257-5

ایی تیداد لیر از موارد ابربرد ایی لمه در رهال شکی است 2-

وسی، 5392 عداهلل بی سلا: 572- 573- 571، 113 مغیره بی سبید: 332- 333- 177-3
175- 172- 173- 171- 177- 112- 111- 113، 373 ابوال طاب: 175- 173- 177-
153- 123- 111- 113- 237- 373- 5733، 5719 بنان اللیان: 115- 111- 117- 113-
199- 373، محمد بی بشیر: 111، 373 محمد بی فرات: 111- 5717، 5719 سرکی: 117-
113، بزیا: 117، 113 حمزه بی عماره بربری: 137- 119، 113 حارث الشامی: 113 میمر:
113، بشار اعشیری)ی شیبیری: 113- 712، 712 صامد النهدی: 113، 113 مفیبا بی عمر: 199،
عمرو النلطی: 199 عمر بی عیسی)اخو عوافر: 237، 237 حسی بی علی بی ایی حمزه: 935 محمد
بی سنان: 379- 5733، علی بی حسکه: 337- 5775 حسی بی بابا قمی: 333 فارس بی حاتم:
5771- 5771، 5757 ابوالسمهری: 5753، ابی ابیالزرقاء: 5753 ابوسمینه محمد بی علی
الصیرفی: 5733، یونس بی ظلیان: 5733، عروه بی یحیی الدهقان: 5792

در ی تقسیم بندی لی در رهال شکی راویان در الم اممه (ر)، مشایخ حدیبی، برخی راویان و در - 1

ن

ه

ا

ی

ت

ش

ص

جایگاه کذب و بدعت در تضعیف غالیان 67

در باب اهداانهای به بررسی راویانی ه در الم میصومی (ر) به عنوان «واب»
میرفی شده‌اند، خواهیم
پرداخت.

با ایی ه شکی راویان زیادی را شـ صا و بدون نقا از سی، با عنوان لالی
میرفی نموده (ر.ک: وسی، 5392 12 و 317 نصری صلا، 12: اسحاج
بی محمد بصری، ا: 571 علداهلل بی سلا، ا: 231 محمد بی بحر و ...). اما
برای هیچی از آنان تیلیر واب را استفاده ننموده است، تنها هنگام نقا روایتی
درباره شیبب عرقوفی ه از دیداه شکی میمون ناصحیحی دارد، یکی از راویان
آن بینی حسی بی علی بی ابی حمزه را «واب و لال» توصیف نموده است؛ (و
وسی، 5392 935) ه اللته لیر از شکی هیچی از رهالشناسان وی را لالی
ندانسته اند، بلکه وی) وسی، 5392 5712؛ ابیلیامری، 5122 ج، ص15؛
نجاشی، 5321، ص32 و پدرا) وسی، 5392 933 و 931) در منابا

رهالی به عنوان واقفی شناسانده شده‌اند و ایی احتمال وجود دارد ه در لالی خواندن وی اشتلاهی از سوی شکی رخ داده باشد

چنان ه در روایتی دیگر در رهال شکی، علی بی حسی بی فیال در پاسخ محمد بی مسیود ه از وی درباره حسی بی علی بی ابی حمزه سسال می ند، بدون اشاره (به لئو، تنها وی را واب و ملیون میخواند.) و سی، 5392 5712

اللته ایی نکته هالب توهه است ه شکی با تکیه بر تاب فیال بی شا ان بر واب نموده است و از آنها ه لعی شکی در تمام ایی بودن 7 تی از راویان متهم به لئو تأید⁵

موارد ابت است، چینی به نظر می رسد ه فیال تألیفی مستقا در شناسایی راویان واب داشته و یا فصلی از یکی از آرا را به میرفی وایی اختصاص داده است و باتوهه به

علازت شکی در تمام ایی موارد چینی است: و ر الفیال/ الفیال بی شا ان فی بیق تله ین می الکوابی - 5 المشهوری... و سی، 5392 ا: 373 محمد بی سنان، ا: 333 ابی بابا قمی، ا: 5775 علی بی حسکه، ا: 5771 فارس بی حاتم قزوینی، ا: 5733 ابوال طاب، یونس بی ظلیان، یزید الصاما، محمد بی سنان، ابوسمینه(. از میان ایی راویان، ارچه بیف یزید الصاما مورد اهماز رهال شناسان است، اما خال سایر راویان ه به لئو متهم شده اند، دلیلی بر لالی بودن وی یافت نشد بلکه باتوهه به دیداه ابی داود(ابی داود، 5312 ص 122 و 127) و نیز روایتی ه از او در الغیله) و سی، 5155 ص 11(نقا اردیده، به احتمال زیاد وی واقفی بوده است و از ایی رو است ه فیال نام وی را در زمره وایی ر نموده است

فصلنامه علمی - پژوهشی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهرا(س)، سال، 13، پیاپی 31 67

آ آری ه نجاشی(نجاشی، 5321 ص 377) و شیخ و سی) و سی، بیتا، ص 325) برای وی بر می شمردند، ببید نیست ایی ا ر تاب الرد علی الغالیه (الغالیه المحمدیه) باشد. در فهرست شیخ و سی واژه وب با هیچ ی از مشتقات و مترادفاتا نه تنها درباره لالیان به ار نرفته ه هیچ فرد دیگری نیز با آن توصیف نشده است؛ وی تنها هنگام بررسی اصا زید نرسی و زید زراد، ایی دو اصا را از قول محمد بی حسی بی ولید مویور و

موسی همدانی، بر ساخته محمد بی⁵ . میر فی مینماید

اهر بی حاتم) و سی، 5373 ص 313 (- یکی از راویان متهم به لئو - واژه

واب به

ار رفته

است.

بنابرای ارب واهیم در شناسایی دیداه شیخ و سی درباره دامنه محتوایی
واژه وب و مترادفات آن تنها به ایی دوا را تفا نماییم به دیداه املی دست ن
واهیم یافت، با ایی و هود تأما در سایر آ ار شیخ به ویژه عده اصول ما را به
ایی نکته رهنمون میسازد ه نه تنها وی وب را به همان مینای متداول یینی آنچه
در برابر صدج قرار دارد به ار برده بلکه آن را یکی از عواما مس ر در هر
راویان و نپویرفتی روایات آنان به شمار آورده است؛) و سی، 5157 ج، 5
ص 519-515 (چنان ه وی لالیان را در نار راویانی ه حدیثشان پویرفته
نمیشود و نیز متهمیی به ویا و هیا حدیث قرار داده و بر ایی نکته تأید می
ورزد ه ایی دسته از راویان هراه به تنهایی به نقا حدیث پردازند، عما به
روایتشان هایز نیست و تنها در صورتی می توان به روایت آنان عما نمود ه
در نار روایت آنان همان محتوا را راویان قه نیز ازارا نموده باشند، ه اللته
لیبتا در چینی حالتی عما به ایی روایت به سلب نقا قات است نه روایت
(لالیان). همان، ج، 5 ص 531

قمیان وی را به لئو متهم ردهاند.) نجاشی، 5321 ص 339؛) ابی لیامری بر ساخته بودن ایی تاب را - 5
نپویرفته) ابی لیامری، 5122 ص 22 (و محمد بی موسی را نیز تنها تیییف مینماید و میتقد است ه
(میتوان از احادیث وی به عنوان شاهد استفاده نمود.) همان، ص 31

وسی، بیتا، ص: 275 233 - 377 - زید النرسی و زید الزرادر. لهما نصالن. لم یروهما محمد (2-
بی علی بی الحسی بی بابویه و قال فی فهرسته: لم یروهما محمد بی الحسی بی الولید و ان یقول: هما
(مویوعان و ول تاب خالد بی علد اهلل بی سدید و ان یقول: ویا هوه اصول محمد بی موسی الهمدانی

مجموعه ده بار

آن با عبارات دال بر لُلو راوی همراه
راویان به ار رفته است ه از ایی تیداد،²

هفت مورد

در رها ل نجاشی در توصیف

جایگاه کذب و بدعت در تضعیف غالین **67**

لمه وب و ویا و مشتقات آن دو در⁵

شده است. با ایی ه در رها ل نجاشی قریب به سی تی از افراد با الفاظی صریح یا
لیر صریح به عنوان راویان متهم به لُلو شناسانده شده‌اند، اما چنان ه مالحظه
اردید وی تنها درباره تیداد اند ی از آنان از واژه وب و یا مترادفات آن استفاده
نموده است و در همیی موارد محدود نیز تنها علداهلل بی قاسم حیرمی، ابوسمین
و محمد بی علداهلل بی مهران را صراحتا وب خوانده و درباره ساییری وب
راوی را به قمیان، اصحاب و یا متکلمی ناشناخته (برای نمونه ر.ک: نجاشی،
5321، ص 591، 592 231) نسلت داده است و ترهیح میدهد ه بیشتر لالیان
را با تلیر «بییف» توصیف نماید ه الله استره مینایی ایی لفظ به نحوی وب را
نیز در بر می‌آورد.

چنان ه وحید بهلهانی در ایی باره می‌آوید همان اونه ه وقتی علما روایتی را
صحیح میخوانند ایی تلیر داللتی بر حصر تمام راویان آن در عدالت ندارد، اربرد
لمه بییف از سوی آنان نیز داللتی بر انحصار ایی واژه در فسا ندارد و بلکه
موارد دیگری را

نیز شاما میشود (نسترا بادی، 5122 ج 5، ص 527؛ مامقانی، 5155

ج 2، ص 232) در هر حال به نظر میرسد ایی سل بیان برخاسته از روحیه دقیقا و
محتا نجاشی در هر و تیدیا راویان بوده و یا ریشه در هد اصلی نگارا تاب
داشته باشد ه همانا میرفی نگاشته‌ها و مصنفات شبیی است و نه هر و تیدیا
راویان؛ با ایی و هود همیی تیداد محدود اربرد واژه وب و مترادفات آن در رها ل
نجاشی در حصول مقصود ما بینیی نمایان نمودن تأیر وب در هر لالیان و لیر
قابا اعتماد دانستی روایات آنان مس ر است و نجاشی نیز در همیی موارد

محدود و اب بودن راوی را در پویرفته نشدن روایات وی مس ر دانسته است و در تمام مواردی ه راوی را اب میرفی نموده الم خود را با

ابی تیداد لیر از موارد اربرد ابی لمه به اقتیای بحث در رهال نجاشی است 5-

نجاشی، 5321 سلیمان بی علاهل الدیلمی و پسرا محمد: ا 192، ص 592 سها بی زیاد: (2-

ا، 137، ص 591 علاهل بی قاسم الحیرمی: ا 131، ص 222 ابوسمینه محمد بی علی: ا، 931

ص، 332 محمد بی علاهل بی مهران: ا، 312، ص 317 و محمد بی موسی بی عیسی ابوهیفر الهمدانی

(.السمان: ا، 371 ص 339

فصلنامه علمی - پژوهشی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهرا(س)، سال، 13

پیاپی 31 67

علا راتی همراه ساخته ه تأیر وب در پویرفته نشدن روایات وی را نمایان می سازد. به عنوان میال در پی وب و لالی خواندن علاهل بی قاسم حیرمی با تلیر «الیتد بروایت» بر لیر قابا پویرا بودن الم وی تأید مینماید؛(نجاشی، 5321، ص 222)

تیابیری چون «الیتد فی شیء»، همان، ص 332) فاسدالموهب و

الحدیث) همان، ص 317) «از همیی قلیا است ه ابی تیابیر نیز در ن ر نجاشی

درباره سایر لالیانی ه با لفظ وب توصیف شدهاند، به ار رفته است

(در رهال ابی لیامری واژه های وب، ویا و مشتقات آنو) بدون موارد تکراری

مرتله در شناسایی راویان مورد استفاده و اقا شده ه از ابی تیداد 31⁵

51 مورد آن

اختصاص به لالیان دارد. ابی نکته قابا توهه است ه وی در توصیف ابی افراد

به ر واژه وب به تنهایی ا تفا ننموده و توییح خود را با علا راتی همراه نموده ه

به درک و برداشت صحیح از مراد وی از واژه وب و هایگاه ابی واژه در

سنا روایات راوی م قابا توههی مینماید

اربرد اصطالحاتی چون «متروک الحدیث همله»، ابی لیامری، 5122

ص 19) «متروک الحدیث»، همان، ص 79) «ویار للحدیث»، همان، ص

23 و 575) «ییا الحدیث» (همان، ص 32) «الیتفت الیه» (همان، ص 23 و 92) «الیتفت الیه و الیکتب حدیبه» (همان، ص 31) «الیتفت یلی حدیبه» (همان، ص 575) «له تاب یدل علی خلیه و وبه» (همان، ص 31) «الخر فی ما رواه» (همان، ص 23) و ... به روشنی ایی امر را به آلات میرساند ه یکی از دالیا مهمی ه منجر به ر واژه «واب» در هر راویان متهم به للو توس ابی لیامری اردیده، قابا پویرا نلودن روایات آنان است. آنچه امینان ما را به درستی ایی برداشت بیشتر میسازد، تأما در سایر مواردی است ه ابی لیامری در توصیف راویان از واژه واب یا مترادفات آن استفاده نموده است، ه

ابی لیامری، 5122ج، هیفر بی یسماعیا المنقری ص، 17 هیفر بی محمد بی مال ص، 19 سلیمان 5- بی ز ربا الدیلمی ص، 27 صالح بی سها الهمدانی ص، 23 صالح بی عقله ص، 23 علاهل بی علارحمی اعصم ص، 72 علاهل بی القاسم الحاری ص، 79 نبوالقاسم علی بی نحمد الکوفی ص، 92 فرات بی نحف ص، 91 محمد بی سنان ص، 32 ابوسمینه محمد بی علی ص، 31 محمد بی علاهل بی مهران ص، 31 یونس بی بهمی ص، 575 یونس بی ظلیان ص، 575 محمد بی بحر رهنی ص 39 و 573.

جایگاه کذب و بدعت در تضعیف غالین 67

با تأما در آن موارد به خوبی می توان دریافت در حوزه تفکر وی ایی واژه هر برای نمایان نمودن ایی امر ه روایات واب قابا پویرا نیست، هایگاه دیگری ندارد. چنان ه وی در موارد دیگری ه در توصیف راویانی لیر از لالیان ایی واژه را به ار میرد نیز آن را با اصطالحاتی چون «الیتفت الی ما رواه»، «ییا الحدیث مجاهره»، «الیتفت الی حدیبه»، «الیتفت الیه» (همان، ص 15، 11) 97، 12 و ... همراه نموده است.

اللّه برخی مانند وحید بهلهانی برآنند ه افرادی چون احمد بی محمد بی عیسی و ابی لیامری پس از ایی ه راوی را متهم به للو مینمایند به وی نسلت وب و ویا هم میدهند او بی ه در روایت وی چیزی و هوود دارد ه بر ایی امر داللت مینماید؛ (نسترآبادی، 5122 ج، 5 ص 537) با ایی بیان از دیداه وحید بهلهانی واب خواندن لالیان توس ابی لیامری ریشه در دو امر دارد

انتساب آنان به لئو باعث شده ه ابی لیامری آنان را واب و ویار هم ب واند. -2 5-
ابی لیامری در روایات آنان چیزی مشاهده نموده ه از دیداه وی نشانه
درولگویی آنان است

در تحلیا ایی دیداه باید افت ه ارچه هر دو مسألهای ه وحید بهلهانی در نقد شیوه
هر لالیان توسه ابی لیامری مطر مینماید، به نحو هزمی قابا پویرا است اما به
عنوان ی قاعده لی نمیتوان آن را تیمیم داد و به ایی نتیجه رسید ه تمام دیداههای
وی درباره لالیان از همیی سنخ است

به ویژه ه هر دو استدلال وحید بهلهانی قابا خدشه است: ار ابی لیامری تمام
راویان متهم به ل لئو را از ی نار واب خوانده بود، ایی نقد قابا پویرا بود و ایی
در حالی است ه از تیداد 12 راوی ه در رهاال ابی لیامری به لئو متهم شدهاند،
وی تنها 51 تی را واب خوانده است

همچنیی چنان ه آلات نمودیم ابی لیامری واژه واب و مترادفات آن را تنها برای
لالیان به ار نلرده و بلکه 27 نفر از راویانی ه در رهاال وی واب خوانده شدهاند،
نه تنها در رهاال ابی لیامری بلکه در هیچ ی از منابا رهای به لئو متهم نشده
اند. اما درباره ایی ه وی در روایات لالیان چیزی را مشاهده نموده ه منجر به
واب میرفی نمودن آنان

فصلنامه علمی - پژوهشی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهرا(س)، سال، 13
پیاپی 31 67

اردیده است، ایی مسأله نیز اختصاص به لالیان ندارد بلکه چنان ه مشاهده
اردید وی برای لیر لالیان نیز در نار واب تقریلا همان اصطالحاتی را به ار برده
است ه برای لالیان استفاده نموده و اصل وی هدفی هز آلات ایی ه روایات
وایی را لیر قابا اعتنا میرفی نماید، نداشته است و بنابراین نمی توان به سلب
ایی امر خدشهای در واب خواندن لالیان توسه وی وارد دانست

بنابرای باتوجه به ملاحظه مطر شده ار شمار راویان متهم به لئو ه واژه « وب»
و مترادفات آن درباره آنان به ار رفته است را ه با حو موارد تکراری بالا بر سی
و نه نفر میشوند، با راویان متهم به لئو ه رقمی در حدود ی صد و پنجاه

نفر) صفری

فروشانی، 5379 ص 313) را به خود اختصاص داده‌اند، مقایسه نماییم، چیزی در حدود 22 درصد خواهد شد. تقریباً ی سوم تیداد راویان متهم به لّو را شاما می‌شود. ایی امر نشان دهنده ایی مویور می باشد. « وب » یکی از عواما مس ر در هر راویان متهم به لّو بوده است. اهمیت ایی نکته هنگامی آشکارتر می اردد. ایی مسأله را در نظر داشته باشیم. چنان ه پیا از ایی آلات اردد، واژه وب از واژه‌های پربسامد

عقیده
عالمه بر ایی ه اه رهالشناسان به ههت
متهم به لّو مانند محمد بی نصیر²
شهرت برخی راویان
نمیری
در منابا رهالی نیست؛⁵

ه هیچاونه تردید و اختلافی در انرا
وی وهود ندارد، از ر توصیفات بیشتر مانند واب و ... درباره آنان اهتتاب نموده‌اند.

بررسی گستره مفهومی و مصداقی «کذب» در کالم معصومین(ع) بدیهی 1-3.

است یکی از ا مینان ب اتری منابی ه می‌تواند به منظور شناسایی راویان متهم به لّو و دستیابی به عواما مس ر در هر آنان ما را یاری رساند، و اوی سنانی است ه امه (ر) درباره آنان به ار برده‌اند. اما پیا از ایی امر آنچه مهمتر
،مینماید

با ی بررسی اهمالی ایی امر آشکارا ابت می‌شود ه واژه بیبف ه اللّته دامنه شمول استردهای داشته و وب 5-
را نیز شاما می‌شود، بیشتر از آن در منابا رهال به ار رفته
است.

در روایت شماره 5777 از رهال شکی به نکاتی از عقاید و سنان وی اشاره شده ه نه تنها در 2 -
شایستگی الج صفت وب، تفاوتی با س نان سایر لالیان ندارد بلکه به نحوی هاما تمام دیداهای منفی
... آنان است. مانند: اعتقاد به تناسخ، عقیده به ربوبیت میصومی (ر)، حلیت ازدواج مردان با یکدیگر و
جایگاه کذب و بدعت در تضعیف غالیان 66

تأماً در ایی نکته است ه در الم ایی بزرواران آیا واژه واب تنها برای لالیان

مورد استفاده قرار گرفته یا سایر اشخاص نیز با ایی واژه توصیف شده اند و نیز آیا میصومی (ر) ایی واژه را درباره تمام افراد به یمینا و مفهوم به ار برده اند یا از اربرد آن مفاهیم متیدی را اراده نموده اند.

با عنایت به محدودیت دامنه ایی پژوها ه تکیه آن بیشتر بر منابا رهالی است و نیز توهه به ایی نکته ه رهال شکی یکی از هیتری و در عیی حال مناسبتیری منابی است ه میتوان در آن به ور مستند به دیداهاهی امه (ر) درباره راویان دستیافت، در ایی قسمت مالک اصلی در است راج استره مفهومی و مصداقی «وب» در الم میصومی (ر) رهال شکی بوده است، ما ایی ه و او ای اهمالی دادههای سایر منابا حدیی ه به

موازات رهال شکی نگاشته شده اند، نیز تنها به منزله مهر تأیدی بر مطالب آن بوده و بیانگر آن است ه لحاد نمودن داده های آن منابا تفاوت چندانی در یافته های ایی پژوها ⁵ حاصان واهد نمود

با بررسی مواردی ه در رهال شکی لمه وب درباره راویان و اشخاص به ار رفته است، میتوان ایی موارد اربرد را در سه دسته اصلی لقه بندی نمود:

،(برتریه مانند حکم بی عتیه) عینه
وسی، 5392²
برخی راویان منسوب به فرقه 5-

222 و 122 (بیرالنواء، سالم بی ابی حفصه و ابوالجارود) همان، 152- 2-
راویان واقعی مانند ابی ابی حمزه، ابی مهران، ابی ابی سید) همان، 711
(و 727) و زرعه بی محمد الحیرمی) همان، 371

لالیان ه مهمتری و پر تیدادتری دسته را تشکیا می دهند و علارتند از: 3-
علاهلل بی سلا، مغیره بی سید، ابوال طاب، بنان، محمد بی بشیر، محمد بی فرات، سری، بزیاء، حمزه بی عماره بربری، حارث شامی، میمر، بشار اعشیری، صامد ال نهدی، عمر بی

چنان ه میتوان بسیاری از روایات شکی درباره ایی مویور را عینا یا با شلاهی بسیار در سایر منابا - 5
همزمان با آن نیز یافت. (برای نمونه رک: ابی حیون، 5391 ج، 5 ص، 17؛ عیاشی، 5397 ج، 2
(... ص 12 و 591؛ لینی، 5177 ج، 2، ص 159، 9 ص، 577 ج، 9 ص 211 و

اللّٰه علی بی حسی بی فیال وی را از فقهای عامه دانسته است) و سی، 5392 377 (و برخی نیز 2-

د
ر
ا
ن
ت
س
ا
ب
و
ی
ب
ه
ف
ر
ق
ه
ب
ت
ر
ی
ه
ت
ر
د
ی
د
ن
م
و
د
ه
ا
ن
د
(

م
ح
م
د
ا
ظ
م
ر
ح
م
ا
ن
س
ت
ا
ی
ا
و
ا
ع
ظ
م
ف
ر
ه
ا
م
ی
،
،
5
3
3
7
ا
،

فصلنامه علمی - پژوهشی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء(س)، سال، 13
 پیاپی 31 66

عیسی(اخو عوافر)، علی بی حسکه، حسی بی بابا قمی، فارس بی حاتم،
 ابوالسمه
 ری و
 ابی ابی
 الزرقاء.

اللته اربرد واژه وب در روایات میصومی (ر) اختصاص به موارد یاد شده
 نداشته و افرادی چون ابوالل تری، همان، 113) م تار بی ابی علیده
 قفی، همان، 277) زراره، همان، 231) یونس مولی بی یقطی، همان، ا
 337) و هشام بی ابراهیم (علاسی) همان، 319) نیز با ابی لمه توصیف
 شده‌اند.

با بررسی اهمالی موارد یاد شده می توان دریافت ه ارچه موارد اربرد واژه وب
 در علارات میصومی (ر) اختصاص به لالیان نداشته و لیر لالیان نیز با ابی
 واژه توصیف شده اند، اما در هر حال آنچه در لالب موارد میان ابی سه دسته
 مشترک است و موهب هر راوی و واب خواندن وی توس میصومی (ر)
 ار دیده، نسلت دادن چیزی به آنان است بدون آن ه آن را مطر رده باشند یا اهازه
 نقا آن را صادر نموده باشند. به عنوان میال در ابی باره روایت دقیقی در رهال
 شکی و هود دارد ه میتواند شاهی بر ابی مدعا قرار ایرد؛ در ابی روایت امام
 صادج (ر) سه نفر از افراد فرقه بتزیه بینی بیرالنواء، سالم بی ابی حفصه و
 ابوالجارود را عالوه بر تکفی ر با وصف « واب و مکوب» توصیف مینمایند و

پس از ایی ه راوی بینی ابوبصیر از مراد حیرت از اربرد واژه «مکوب» سوال می‌ند ایشان در پاسخ «مکوب» را چینی توصیف مینمایند: «سی ه نه تنها به ما نسلت دروغ

«مینماید (وسی، 5392: 152)⁵

میدهده احادیث ما را هم تکوین

از آنها ه محور بحث در ایی ا ر محدود به لالیان میباشد، در ادامه به بررسی تفصیلی روایاتی خواهیم پرداخت ه در آنها لالیان توسه میصومی (ر) با لفظ واب توصیف شده اند. در رهال شکی بیا از چها روایت از میصومی (ر) نقا اردیده ه در

به‌للو مورد استفاده قرار ارفته است ه ار تمام آن ها لفظ وب برای راویان متهم²

وسی، 5392: 152 ... عَشَى نَبِيَّ بَشَصِيرٍ، قَالَ رَّ نَبِرُو عَشْلَدِي اللّٰهِي (ر) بَيِّرَ النّٰهَوَاءِي وَش - 5
سشاليمش بدى نَبِيَّ حَفْشَ وَش نَبِشَا اَلْ جِشَارُودِي، فَقَالَ هَوَابِرُونَ مَرْكُوبِرُونَ افهارل عَشْلِدِهْم لَيَدْنًا
اللّٰهِي، قَالَ قَالْتَر هَرِيْلْتَر فَيَدشَاكش وَهَابِرُونَ قَدَد عَشْرَفْتَا هَرْمَد فَمَشَا مَشِيْدَنَى مَرْكُوبِرُونَ قَالَ وَهَابِرُوشَن
يَشَاتُونَهَا فَيَر لِرَاوْنَهَا نَتَهَرْمَد يَرْصَشْدَقَاوْنَهَا وَش لَيْدَسْرُوَاوَلِي ش وَش يَشْدَمَشِيْرُونَ حَشْدِيْبِيْنَا فَيَرْكُوبِرُونَ
بِيْهِي.

... وسی، 5392: 572-573-113 571 و - 2
جایگاه کذب و بدعت در تضعیف غالیان 66

روایاتی را ه در آنها امامان (ر) بدون ایی ه به واب بودن لالیان اشاره نمایند، تنها به نفری و یا بیان دیداهه های آنان پرداخته‌اند، در نار ایی روایات قرار دهیم، تیداد آنها دوچندان خواهد شد

بنابرابری به منظور دست یابی به دیداهه‌ی هاما و منسجم در دو محور رویکرد میصومی (ر) نسلت به هر راویان متهم به‌للو را مورد واوی قرار خواهیم داد:

معرفی و لعن غالیان به عنوان کذابین 1-3-1.

درباره لالیان و ایی ه در میان استره وسیا راویان حدیث شیبی دام ی حقیقتا در

زمره لالیان میانجند، بحث و افتگوهای فراوانی و هود دارد، اما آنچه یقینی است و هود حقیقی افرادی با ایی نام و صفات در تاریخ شکا ابری میراث روایی شیهه است؛ و یکی از ویژگیها و صفات مهمی ه منجر به لیی و رد ایی اروه از راویان توس اممه میصومی (ر) اردیده است، تیمد آنان در دروغاویی و ویا روایات و انتساب ایی روایات برساخته به امامان شیهه (ر) میباشد. به عنوان میال شیخ صدوج در ایی باره به نقا روایتی از امام ریا (ر) پرداخته ه حیرت در آن صراحتا بر ایی نکته تأید نمودهاند ه لالیان احادیثی

را ویا نموده و سپس آنها را با عنوان الم میصومی (ر) منتشر⁵ نمودهاند. از ایی رو امامان شیهه در مواههه با هریان للو اه به ور لی بر دروغاویی و قبا اعتماد نلودن سدان آنان تأید نمودهاند؛ چنان ه امام صادج (ر) در اییباره میفرماید: «برخی از لالیان به حدی دروغ او هستند ه شیطان به دروغ های آنان احتیاج پیدا

می ند،² و اه بار نام سردمداران ایی هریان ه با

حو موارد تکراری بالا بر 53 نفر

عشی نبی الحششی عشی بدی مروسشی الرویا (ر) قال: فالتر لهر يشا ابدی رشرول اللهی ... 5-
ینه النهاسش یشنسرلر وننا یلی القودل بالتهشلیهی وش الجشدر لیمشا ررویش میی الأخلشار فی لی ش
عشی آبشامی ش الأمیم (ر) ... ینهمشا وشیش الأخلشارش عشنها فی ی التهشلیهی وش الجشدر الغالاه
الهویی صشعهر او عشطمش اللهی تیشالی قمشی نحشلاهرمد ففقد ندغینا وش مشی ندغیهرمد ففقد
... نحشلانا ... وش مشی صشداقهرمد ففقد وهیشنا وش مشی وهیشهرمد ففقد صشداقنا

یشا ابدی خالید مشی ان می شیهششینا فلا یشته یونه میهرمد وشلییا وش لا نصییرا. (صدوج، 5397 ج، 5
ص-512 513؛ 5339 ص323 (2 -) وسی، 5392 122): ... عشی هیشام بدی سشالیم، عشی
نبی عشلددی اللهی (ر) وش رر الغالاه، فقال: ینه فیهمد مشی یشکوبر حشتهی ننه الشهدطان لیشدناجر
(. یلی ویی. نیز ر.ک:) لینی، 5177 ج، 9 ص211

فصلنامه علمی - پژوهشی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهرا (س)، سال، 13

میشوند، به عنوان افرادی اب و لیر قابا اعتماد از آنان بیزاری هستهاند ه از ایی میان بیشتری روایات درباره مغیره بی سید و ابوال طاب بیان اردیده است. روایت زیر از امام صادق (ر) ه نمونههای مشابه فراوانی دارد،) و سی، 5392، 175، 172، 112، 113 و ... (به روشنی بیانگر مهم تریی عامما هر لالیان و لیر قابا اعتماد بودن روایات آنان است

هیچ حدیی را از ما نیوپرید مگر احادیی ه موافا با قرآن و سنت یا همراه» با شاهی از احادیث پیشی ما با شد چرا ه مغیره بی سید در تب اصحاب پدرم روایاتی را وارد نمود ه پدرم آن احادیث را بیان نکرده بودند؛ پس هرچه را ه م الف الم پروردار و سنت نلی ارم (ص) باشد، از ما نیوپرید چرا ه ما هراه حدیث نقا مینماییم آن را به خداوند متیال و نلی ارم (ص) نسلت می دهیم. در ادامه همیی روایت یونس بی علد الرحمی میاوید به عراج رقتم و در آنها اصحاب امام باقر و امام صادق (ر) را دیدم

پس از آنها حدیث شنیده و تابهای حدیثشان را ارفتم و به امام ریا (ر) عریه نمودم، اما حیرت تیداد زیادی از آن احادیث را از امام صادق (ر) ندانسته و فرمودند ابوال طاب و اصحابا بر ایشان دروغ بسته و ایی روایات را تا امروز در تب یاران امام صادق (ر) وارد نمودند؛ پس هر روایتی را ه م الف قرآن بود از ما نیوپرید، ه ما ار حدیی را نقا مینماییم موافا با قرآن و سنت است، ما از خدا و رسول اهلل (ص) نقا حدیث نموده و نمی اویم قال فالن و قال فالن تا الممان متناقق شود، همانا الم آخریی ما مانند الم اولیی ماست و الم اولیی ما تصدیا ننده الم آخریی ماست پس ار فردی نزد شما آمده و خال ایی را بیان نمود، آن حدیث را به خودا براردانید و بگوئید تو خود به آن چه آوردهای آاهتر هستی. همانا با هر المی از ما نور و حقیقتی

«آن الم شیطان است» (وسی، 5392، 175)

است و المی ه نور و حقیقتی ندارد،⁵

لَا تَقْلُشَلُوا عَشْلِيدَنَا حَشْدِييَا يَلْهَا مَشَا وَشَافَا الْقَارَانَ وَشَ السَّيَّةَ نَوْدَ تَجْدِرُونَ مَشِيْشَهْرَ شَاهِيْدَا مِيْ ... - 5
 نَحْشَادِييِيْنَا الْمَرْتَقَمَشْ، فَإِنَّهُ الْمَرْغِيْرَةَ بَدَىْ سَشِيْبِيْدٍ أَلِيْشَهْرَ اللّٰهْهَرِ دَشَا فِيْ اِتَابِ نَصْدَحْشَابِ نَبِيْ
 نَحْشَادِييْتٍ لَمْدَ يَرْحَشْدَتْ بِهَشَا نَبِيْ، فَآ تَهَقَاوَا اللّٰهْهَشَ وَشَ لَا تَقْلُشَلُوا عَشْلِيدَنَا مَشَا خَالَفَشَ قَوْدَلْ رَشْبَنَا نِيْشَالِيْ
 وَشَ سِرْنَهْ نَلِيْنَا (ص) فَإِنَّهَا يَآ حَشْدَا نَا قَالْنَا قَالَ اللّٰهْهَرِ عَشْزَ هَوْشَهْشَاهِ وَشَ قَالَ رَشْسِرُوْلَا اللّٰهْهِيْ (ص).
 قَالَ يِرُونَا سِر: وَشَافِيْدَتَرِ الْبِيْرَاجَ فَوْشَهْشَدْدَتَرِ بِهَشَا قِيْطِيْشَ مِيْ

جایگاه کذب و بدعت در تضعیف غالیان 67

روایات صادره در هر و تکوین لالیان اختصاص به امام صادق (ر) نداشته بلکه استرزه صدورشان الم امام سجاد (ر) تا امام هادی (ر) را دربرمیآورد. در ایی روایات امامان شبیه (ر) تنها به هر و تکوین لالیان زمان خود ا تفا نموده بلکه اسامی مشهورتری افرادی را به در حا پدرانشان لّو نموده و به ویا حدیث علیه آنان پرداختهاند نیز بیان نمودهاند ایی مویور میتواند داللت بر تداوم و ی سانی لیات لّو به عنوان یه هریان در ایی بازه زمانی داشته باشد. نمونه ایی مدعا را می توان در روایت یاه از امام ریا (ر) نقا: ارداریه، مشاهده نمود

قَالَ نَبْرُو الْحَشْشَشِي الرُّوِيَا (ر) أَنَّ بِيَانَ بُرْنَانَ [يَشْكَوِيْبِرَ عَشْلِيْ عَشْلِيْ بَدِي ... »
 الْحَرْشَشِيْدِي (ر) فَأَقْهَرُ اللّٰهْهَرِ حَشْرَهْ الْحَشْدِيْدِي، وَشَ أَنَّ الْمَرْغِيْرَةَ بَدِيَا سَشِيْبِيْدٍ
 يَشْكَوِيْبِرَ عَشْلِيْ نَبِيْ هَشِيْدَفَر، (ر) فَأَقْهَرُ اللّٰهْهَرِ حَشْرَهْ الْحَشْدِيْدِي، وَشَ أَنَّ
 مَرْحَشْمَادِرَ بَدِيَا بَشْشِيْبِر، يَشْكَوِيْبِرَ عَشْلِيْ نَبِيْ الْحَشْشَشِي مَرْوَسْشِي (ر) فَأَقْهَرُ
 اللّٰهْهَرِ حَشْرَهْ الْحَشْدِيْدِي، وَشَ أَنَّ نَبْرُو الْطَهَابِ يَشْكَوِيْبِرَ عَشْلِيْ نَبِيْ عَشْلَدْدِي
 اللّٰهْهِي (ر) فَأَقْهَرُ اللّٰهْهَرِ حَشْرَهْ الْحَشْدِيْدِي، وَشَ الْهَوِيْ يَشْكَوِيْبِرَ عَشْلِيَا مَرْحَشْمَا
 دِرَ بَدِيَا فَارَاتٍ قَالَ نَبْرُو يَشْحَدِيْشِي وَشَ أَنَّ مَرْحَشْمَادِرَ بَدِيَا فَارَاتٍ مِيْ الْكَاتَهَابِ
 ،فَقَتَّلَهْرَ يَبْدِرَاهِيْمِرَ بَدِيَا شَكْلًا».) وِسى

111؛ نیز ر.ک: همان، 577، 572، 571، 177، 175، 5392، 373 و 113... (نکته دیگری ه از مطالیه و تأما در روایات صادر شده از امامان شبیه (ر) در هر و تکوین لالیان به دست میآید، در پیا ارفتی سل بیانی واحد از سوی آن بزرواران خصوصا امام صادق، امام اظم و امام ریا (ر) در هر لالیانی چون مغیره بی سبید، بنان، محمد بی بشیر، ابوال طاب، بزیاء، سری،

میر، بشار اعشیری، حمزه، صامد النهدی و محمد بی فرات است؛ به نحوی ه ایی سه بزروار در لالب مواردی ه لالیان را به عنوان افرادی واب و لیرقابا :اعتماد میرفی نمودهاند، الم خود را با علارت «فأ اقه اهلل حرک الحدید

نَصَدْحَشَابِ نَبِي هَشِيدْفَر، (ر) وش وشهددتَر نَصَدْحَشَابِش نَبِي عَشْلَدِي اللّهي (ر) مَرْتَوْشَافِيرِي
فَسْمِيِيدْتَر مِيْهَرْمَد وش نَخَوْتَر ا تالشهرمد، فَيَشْرِيْتَاهْشَا مِيْ بِشِيْدَر عَشْلِي نَبِي الْحُسْشِي الرّويَا (ر)
فَأَنْكَر مِيْهْشَا نَحْشَادِيْبِيْ بِيْرَة نُنْ يَشْكَوْن مِيْ نَحْشَادِيْبِيْ نَبِي عَشْلَدِي اللّهي (ر) وش قَالَ لِي: يَنْه نَبْشَا اَلْ
طَهَاب وَبِش عَشْلِي نَبِي عَشْلَدِي اللّهي (ر) لِيْشِي اللّهي نَبْشَا اَلْ طَهَاب! وش وَلِي ش نَصَدْحَشَابِر نَبِي اَلْ
طَهَاب يَشْدَرْسَوْن هَشْوِيْهِ اَلْحَشَادِيْبِيْ يَلِي يَشْوَدْمِيْنَا هَشْوَا فِي اَتَاب نَصَدْحَشَابِ نَبِي عَشْلَدِي اللّهي (ر)،
فَلَا تَقْلَشَلَوْا عَشْلِيْدِنَا خِيْلَا ش الْقَارَان، فَإِنْهَا يَنْ تَحْشَدَانَا حَشْدَانَا يَمْر وَشَافَقِي الْقَارَان وش مَرَوْشَافَقِي السَّنَه يَنْهَا
عَشِي اللّهي وش عَشِي رَشْسِرُولِيْهِ نَاحْشَدْنَا، وش لَنَا نَقَوْلَا قَتَالَ فَالْتَان وش فَالْن فَيَشْتَنَاقَش لَامْرَنَا
يَنْه- لَامَش آخِيْرِنَا مِيْيَا لَام نَوَالِيْنَا وش لَامَش نَوَالِيْنَا مَرَصْشَادِيْج لِيْكَلَام آخِيْرِنَا، فَإِنَّا نَتَا اَمْد مَشِيْ يَرْحَشْدُ
اَكَاْمَد بِيْلَا ي لِي ش فَرَاوْهَر عَشْلِيْدِيْهِ وش قَوْلَاوَا نُنْتَش نَعْدَلْمَر وش مَشَا هُنْتَش بِيْهِ! فَإِنْه مَشَاش اَو
قَوْل، مِيْنَهَا حَشْقِيْيقْ وش عَشْلِيْدِيْهِ نَاوَرَا ، قَمَشَا لَا حَشْقِيْيقْ مَشِيْشَهَر وش لَا نَاوَرَش عَشْلِيْدِيْهِ قَوْلِي ش مِيْ
..قَوْلِي الشَّهِيْدَتَان

فصلنامه علمی - پژوهشی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء(س)، سال، 13

پیاپی 31 67

خداوند تیزی آهی را به او بچشاند « تکمیا نموده و به بیان دیگر آرزوی شته شدن لالیان⁵ را نمودهاند.

الّته ایی علارت در مواردی نیز به صورت مطلا درباره سانی مورد استفاده قرار ارفته ه به تلیر میصومی (ر) به افشای اسرار آنان پرداخته اند. مانند حدیث زیر ه از امام صادج (ر) نقا اردیده است: «مَشِيْ نَفْشِي سِيْرَهْنَا نَهْدَا اَلْشِيْدِيْ نَ أَقْهَر اللّهي حَشْرَه اَلْحَشْدِيْد: هر ه راز ما اها بیت (ر) را فا ند خدا تیزی آهی را به او چشاند»؛(شبییری، بیّتا، ص32؛ مجلسی، 5173 ج، 72 ص152؛ ابیشیله حرانی، 5323 ص521 و 355؛ لینی، 5177 ج، 2 ص372؛ صدوج، 5322 ج، 2 ص232)؛ ه بنا بر روایات موهود لالیان یکی از مصادیا ایی دسته از افراد می باشند و یکی دیگر از اعمال ناپسندی ه

آنان در نار هیا حدیث انجام میدادند، افشای اسرار میصومی (ر) بوده است
 روایت زیر از امام صادق (ر) درباره مغیره بی سید و ابوال طاب نمونه‌ای است
 ه بر همراهی هیا حدیث و افشای اسرار داللت دارد: «... فَإِنَّهُ الْمُرْغِيرَةُ بَدَى
 سَشِيْبِيْدٍ وَبَشَ عَشْلَى نَبَى وَشَ نَ اَرَشَ سِيْرَهْرَ فَأَقْهَرَ اللّٰهْرَ حَشْرَه اَلْحَشْدِيْدِي
 وَشَ يْنَه نَبْشَا اَلْطَهَابَ وَبَشَ عَشْلَى وَشَ نَ اَرَشَ سِيْرَوَى فَأَقْهَرَ اللّٰهْرَ حَشْرَه
 اَلْحَشْدِيْد :... همانا مغیره بی سید بر پدرم دروغ بست و سرک او را فا
 ساخت، در نتیجه خداوند تیزی شمشیر را به او چشانید. و نیز ابوال طاب بر
 می دروغ بست و رازم را فا ساخت پس خداوند تیزی شمشیر را به او
 چشانید». (ابیشیله حرانی، 5323 ص 357)

بیان عقاید غالیان به عنوان مهمترین مصادیق کذب و تصحیح آنها 1-3-2.
 امامان شییه (ر) تنها به هر و تکویب لالیان اتقا ننموده بلکه با توهه به ایی ه آنان
 خود را به اممه (ر) منتسب نموده و اعتقادات ناصحیح خود را در قالب
 دیداه های میصومی (ر) نشر میدادند، به بیان دیداههای مطابا با اسالم اصیا و
 تصحیح سنان لالیان پرداختهاند

تیداد ایی روایات فق در رهاش شکی نزدی به 55 روایت است: 333، 177، 173، 112، 111 - 5
 377، 113،
 5717، 5719.
 379، 373،

جایگاه کذب و بدعت در تضعیف غالیان 67

برخی از مهمترین دیداههای لالیان ه در الم میصومی (ر) به عنوان مصادیا
 وب میرفی شدهاند، علارتند از: انتساب الوهیت به امامان میصوم (ر)،
 وسی، 5392، 577، 572، 177، 711، 337 712 و ... ادعای
 نلوت، همان، 1، 337، 333، 5719 و ... ادعای قرار داشتی در هایگاه باب

میصومی (ر)، همان، ۱، 337، 333 5719 و ... (ادعای فایت شناخت امام از انجام فرایق و عدم لزوم انجام آنها)، همان، 377 و 337 (تأویا ناصحیح آیات و تأویا آیات احکام)، همان، ۱، 117 331 و 331 (اعتقاد به تناسخ) همان، ... 377) و

در مقابا ایی دیداها اممه (ر) به فراخور شرای زمانی و مکانی به صورت ابتدایی و یا در پاسخ به پرسا های شیبیان به تصحیح سنان لالیان و تییبی خ مشی صحیح در توصیف و شناخت هایگاه مینوی خود پرداخته اند؛ ه در ایبیاره علارت «اهدیشلاونا عشلیدا مش لاوقییی وش قاوالاوا فیینا مشا شیئتام: ما را بنده م لوج قرار داده و هر چه می خواهید درباره ما بگویند» (صفر، 5171، 275) یا «پیلا امد وش الغالاوا فیینا قاوالاوا ینها عیشادل مشربروبرون وش قاوالاوا فیی فیئلینا مشا شیئتام: ملادا در حا ما لولو نید، ما را بندان دست پرورده خدا بدانید و سپس در حا ما هر چه میخواهید بگویند» (ایبیشله حرانی، 5323، 571 (مشهور است). نیز ر.ک: وسی، 5392، ۱، 577، 572، 573، 177، 115 173 و 112؛ لینی، 5177، ج 2، ص 71، 2)

ارچه آنان به سلب فراگیری اندیشه لولو به ایی اشارات لی اتفا ننموده و به سلب تأید بیشتر به ر برخی از مهمترین شسون انسانی نیز درباره خود پرداختهاند: «... فوش اللهی مشا نَحْدِیا یلها عشلیددش الهوی خالیقنا وش اصدطَفَانَا مشا نَقْدِیر عَشَلِی یارو وش لَا نَفَا، یُنْ ررحیمدنا فِلْرحدمشثیهی وش یُنْ عرووبدنا فِلْواناوبنا، وش اللهی مشا لَنَا عَشَلِی اللهی می حرجا، وش لَنَا مشیشنا میی اللهی بشرأشة وش ینها لَمَشِیتَاوَنْ وش مشقُلروررونْ وش مرنشراوَنْ وش مشلد یرو اوَنْ وش مشودقاوفاوَنْ وش مشسدئاوَلاون ... به خدا قسم ما هز بندانی ه آفریده شده و خداوند آنها را برازیده نیستیم، ما قدرت سود و زیانی را نداریم، ار مورد رحمت قرار ایریم بسته به لطف او است و ار میوب شویم به واسطه اناهان ما است؛ به خدا قسم ما را بر او حجتی نیست و از هاناب او در اختیار ما سندی ملنی بر آزادی نیست و ما میمیریم و

فصلنامه علمی - پژوهشی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهرا (س)، سال 13،

دفی میشویم و زنده خواهیم شد و در پیشگاه او خواهیم ایستاد و مورد سسال قرار خواهیم گرفت...» (وسی،

173، 5392،)

چنان ه در هایی دیگر یمی صحه اواشتی بر داشتی رامات، اتی بودن آنان را نفی نموده و حصول به آن مقامات را نتیجه بندای خداوند متیال دانستهاند...
(آن عشیلی) (ر) وش اللههی عشلددا لیللههی صشالیحا ، نَخاو رَشسروِل
اللههی (ص) مشا نَالْ الْکَرَامَشْ مِیَ اللههی یلها بِطَاعَشْتِیهِ لیله هی وش
لیرسرولیهی، وش مشا نَالْ رَشسرو لا اللههی (ص) الْکَرَامَشْ مِیَ اللههی یلها
بِطَاعَشْتِیهِ : سواند به خداوند ه علی (ر) بنده شایسته پروردار و برادر رسول اهلل
(ص) بود، وی به رامتی دست نیافت مگر به سلب آن ه از خدا و رسول پیروی
نمود و رسول اهلل (ص) نیز به رامتی دست نیافت مگر به سلب ا اعت خداوند
(متیال) همان، 573،)

در مجبور ایی نکته قابا تأما و توهه است ه در لالب روایاتی ه در مومت یا
تصحیح دیداه های لالیان از سوی میصومی (ر) بیان اردیده است، آنان ابتدا به
صورت مستقیم یا لیر مستقیم به بیان نکاتی درباره دروغ و مومت آن پرداخته
و سپس به تق لیح و تصحیح س نان لالیان پرداخته اند و ایی داللت سیاقی در الم
میصومی (ر) خود تأیدی

دیگر بر همراهی لَو و وب است. حدیث زیر نمونه مناسلی در توییح ایی
مدعاست: «... لَیْشَى اللّهُر المَرغِیْرَةَ بَدَى سَشِیْبِیْدِ یَنْهَرُ اَنْ یَشْکُوْبِر عَشْلَى نَبِی
فَأَقْهَر اللّهُر حَشْرَه اَلْحَشْدِیْدِی، لَیْشَى اللّهُر مَشَى قَالَ فِیْنَا مَشَا لَا نَقَاوَلَا هَر فِی
نَنْفَاسِیْنَا، وش لَیْشَى اللّهُر مَشَى نَزْشَالْنَا عَشِی اَلِیْرلِرودِیْبِیَ اَلِیْلهی الهوی خَلَقْنَا
وش یَلِیْدِهی مَشِیْبِرْنَا وش مَشِیْشَادِرْنَا وش بَیْشِیْدِهی نَوْشَاصِیْنَا: خدا مغیره بی
سید را لَیْنِت ند او بر پدرم دروغ مبست پس خداوند تیزی شمشیر را به او
چشانید، خدا لَیْنِت ند سی را ه درباره ما چیزی را بگوید ه ما خود درباره خویا
نمیایویم و خدا لَیْنِت ند سی را ه ما را از بندای خدایی ه ما را خلا رده و

بازاشت ما به سوی اوست و اختیار ما به دست اوست خارج ند.) همان،

(... 177؛ نیز ر.ک: 572، 573، 173، 151 و

جایگاه کذب و بدعت در تضعیف غالیان 67

تأثیر بدعت در جرح غالیان 2.

تبیین رابطه بدعت و غلو 2-1.

بدعت در لغت به مینای پدید آوردن چیزی است بدون الگو و نمونه)ابی منظور، 5151 ج، 9 ص2) و بدون آیی ه از قلا و هود داشته یا یاد و شناختی از آن مطر باشد.)فراهیدی، 5157 ج، 2 ص11) از همیرو است ه خداوند متیال در قرآن ریم خود را «بشدییار السامشواشاتی وش الأرد» (بقره 557: خوانده چرا ه آسمانها و زمیی را بدون الگو و نمونه پیشیی آفریده است.

در اصطال بدعت بینیی امر تازهایی ه اصلی در تاب و س ننت ندارد.) ریحی، 5371 ج، 1 ص233-239؛ ابی حزم، بیئا، ج 5، 5 ص13) به تیلیر دقیا تر بدعت به پیدایا امری تازه و نو در دیی پس از رسیدن به حد نهایی مال الج شده است.) ابیمنظور، 5151 ج، 9 ص2) نراقی در تیریف بدعت می اوید: عملی ه لیر شارر بدون دلیا و مدرک شرعی آن را برای دیگران به صورت ی عما شرعی هلوه دهد.) نراقی، 5157 ص321) شالی نیز بدعت را ریقهای اخترار شده در دیی دانسته ه اصلی در شرییت ندارد ولی در صورت، مشابه با شرییت است و به عنوان امری شرعی وانمود می اردد.) شالی، بیئا، ج 5، ص29) شایان توهه است ه بدعت اختصاص به افزایا در دیی نداشته بلکه هر نور م و زیاد ردن در دیی ه به نام دیی انجام شود را دربرمیآورد.) سید مرتیی، 5171 ج، 2 ص221)

در بیان اها سنت تقسیماتی برای بدعت به ار رفته است؛ چنان ه برخی از آنان بدعت را به دو دسته پسندیده و ناپسند)ابی ایر، 5321 ج، 5 ص572 ابیحجر، بیئا، ج 53، ص252) و نیز در تقسیمیی دیگر آن را به تیداد احکام تکلیفی به پن نور واهب، حرام، 5 مستحب، مکروه و ملا تقسیم نمودهاند.) دمشقی، بیئا،

ج، 2 ص 573) اما از دیدگاه لالب محققان شبیه بدعت به امور تازه ای الح

میشود ه پس از پیامبر (ص) در دینی پدیدار

شهید اول در القواعد و الفوائد اموری را ه پس از نلی (ص) در دینی ایجاد شده پن قسم دانسته و 5-
میاوید تنها قسم حرام آن «بدعت» نامیده میشود و به عنوان میال ن ان دوم در روز همیه را از مصادیا
بدعت حرام میرفی نموده است (شهید اول، بیئا، ص-511 511)، اما وی در ری با تجدید نظر در
(دیدگاه خود بدعت را به دو قسم حرام و مکروه تقسیم نموده است) شهید اول، 5377 ج، 1 ص 511
فصلنامه علمی - پژوهشی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهرا (س)، سال، 13
پیایی 31 67

شده بدون ایی ه نصی برای آن موهود باشد و قسم دیگری هز حرام ندارد،) سید
مرتیی، 5171 ج، 2 ص 221؛ حلّی، 5371 ج، 2 ص 535؛ مجلسی،
5173 ج، 75 ص-272 273؛ بحرانی، 5323 ج، 57 ص 597) چنان ه
برخی مانند مرحوم نراقی اصا حرمت آن را مورد

اهمار امت و از امور پروری دینی دانستهاند. (نراقی، 5157

ص 353) به نظر میرسد خل میان مینای لغوی با مینای اصطالحی یکی از
عواما تأیروار در ایی تقسیم بندی باشد؛ زیرا چنان ه اشاره اردید در لغت بدعت
به هر نور نوآوری اعم

از پسندیده و ناپسند الح اردیده است، خال مینای اصطالحی ه بدعت را منحصر
در امور دینی مینماید،) شالی، بیئا، ج، 5 ص 27؛ سلحانی، 5152 ص 21)
برخی نیز برآند ه توهیه بدعت های خلیفه دوم ه خود وی از آنان با علارت
«نیمت اللدعه هوه» (ابی انس، 5172 ج، 5 ص 551؛ باری، 5175 ج، 2
ص 212) یاد نموده، در ایی تقسیم بندی بیئا یر نلوده است. (سلحانی، 5152
(ص 27

اوشته از بحث لغوی و اصطالحی لالب حدیث پژوهان لالیان را یکی از
اروههای برهسته بدعتاوار شناساندهاند. شیخ صدوج نه تنها لالت و مغویه را
صراحتا افر خوانده بلکه میتقد است ه آنان از یهود، نصاری، مجوس، قدریه
و حروریه و نیز تمام فرقه های پیرو بدعت و ارایا های امراه ننده بدتر

هستند). صدوج، 5151 ص 37) چنان ه در قرآن ریم در مومت پیروی از چنئی اعتقاداتی آمده است: «ما ان لیلششر، نَن یرسَنیشهر اللہر الکیتابش وش الحُرکُمش وش النبلرواة اما یشقاوَل لیلنہاسِ اوناوا عیل ادا لی میی درون اللہی وش لکیی اوناوا رشبانیییی بما انتامد تایشلومرون الکیتابش وش بما انتامد تدررسرون وش ال یشأمرر امد نَن تَنه یواوا المَشمالی کَ وش النہلییی نردبابا نَ یشأمررا امد بِالکافر بشیددش ی نَنَتامد مرسدلیمرون.» (آل عمران: 73-97) شیخ حر عاملی به نقا روایاتی در وهوب اهتتاب از میاشرت با اها بدعت و هواز لیلی و بیزاری هستی از آنان پرداخته (حرعاملی، بیتا، ص-537 532) ه در آنها لالیان و اصحاب ابی ال طاب به عنوان یکی از مصادیا بدعت اواران میرفی شدهاند. (همان، ص533) عالمه حلی نیز لالت را در نار خوارج دو اروهی دانسته ه آلازار بدعت و امراهی از زمان امیرالمسمینی علی ((ر) بودند. حلی، 5373 ص555 جایگاه کذب و بدعت در تضعیف غالیان 66

همچنین شهید انی پیرامون هایگاه روایت بدعتاوار به نقا سه دیداه پرداخته است ه با درنظر قرار دادن هر ی از آنها روایات لالیان از حجیت ساق خواهد⁵ شد.

توهه به ایی نکته نیز قابا تأما است ه لالب محد ان اها سنت، هم داستان با محد ان شبیه روایات بدعت اواران خصوصا لالیان را بی اعتلار دانسته و لالب آنان برآند ه در صورتی ه بدعت منجر به فر شود یا راوی دروغ افتی را روا دانسته و یا از مللغان موهب خود باشد و یا روایت وی در همت تیلیت و تأیید همان بدعت باشد، پویرفته ن واهد شد. (ابیحجر، 5337 ج، 5 ص3 - 55) چنان ه شافی با وهود ایی ه حکم به پویرا روایات بدعتاواران نموده است، اما روایات خطابیه را قابا قلول ندانسته و چنئی استدلال نموده است ه آنان شهادت (دروغ در همت یاری موهلشان را هایز می دانند. (شافیی، 5171 ص513 بنابراین ارچه در تیریف و حتی مصداج یابی بدعت میان اها تحقیا اتفاج نظر

و هود ندارد، اما اير آنان لالیان را به عنوان یکی از اروه های بدعتوار میرفی نموده و از همی رو روایاتشان را قابا پویرا ندانستهاند

بررسی گستره مفهومی و مصداقی «بدعت» در کالم معصومین(ع) در 2-2.

مومت و توصیف بدعت روایات زیادی از میصومی (ر) نقا اردیده است ه با تأما و بررسی آنها میتوان به تصویری هاما از بدعت در الم آنان دست یافت. در الم امام سجاد (ر) بدعت در مقابا سنت ر شده و ایشان از خداوند متیال لب توفیا پیروی از سنت و دوری از بدعت ها را می نمایند.(دعای ششم، ص 17) در دعایی دیگر نیز حیرتا از خداوند لب می نماید ه ایشان را از بدعتواران (و پیروان باورهای مجبول دور بدارد).(دعای بیستم، ص 32)

روایت وی به سلب ایی ه فاسا است، مطلقا پویرفته نمی شود. -2- ار دروغویی در هیت یاری 5-5- موهلا را هایز نداند، روایتا پویرفته میشود اما ار مانند خطابه ایایی از دروغویی نداشته باشد، روایتا قابا پویرا نیست. -3- ار درصدد تروی موهب و مرام اعتقادی خود باشد، روایتا پویرفته نمی شود، چرا ه وی (در مظان اتهام تالا برای تروی موهلا قرار دارد)، 5179 ص 599

فصلنامه علمی - پژوهشی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهرا(س)، سال، 13
پیاپی 31 66

ایب علارات حیرت مسید ایی نکته است ه هر امر تازه و نوپیدی را نمی توان مصداج بدعت دانست بلکه بدعت به امور، باورها و اعتقاداتی برساخته و مجبول الج میارده در تقابا با سنت قرار ارفته و ریشههای در دیی ندارند و از همیرو است ه رسول اهلل (ص) امور تازه(ای را ه از روی هوا و هوس پدیدار اشته) بدتری امور میرفی نموده و تمام بدعت ها را امراهی خواندهاند.(ابیحنلا، بیتا، ج، 3 ص 357؛ لینی، 5177، ج، 5 ص، 17 52) در روایتی دیگر نیز بزرگداشت صاحب بدعت را با تالا در هیت نابودی اسالم (برابر دانستهاند.) لینی، 5177، ج، 5 ص، 11 3
علارات میصومی (ر) بیانگر ایی نکته است ه مهمتری منشأ پیدایا بدعت تللیت

از خواسته‌های نفسانی است. چنان‌که امام باقر (ر) (به نقا از امیرالمؤمنین علی (ر)) میفرماید نقطه آلازی و قور فتنه‌ها و آشوبها، پیروی از هوسها و خواسته‌های نفسانی و ایجاد احکامی نویی است که الف تاب خدا باشد. (لینی، 5177 ج، 5 ص، 11) (مصدر) دریا همی روایت مصداق پیروان هوای نفس را فرقه‌هایی چون حشویه، هلریه، نواصب و لالیان میرفی نموده که به بیان وی از ریاها قلله (خارج اردیه‌اند). (مصدر)، 5393 ج، 2 ص، 297

بنابرای از دیداه میصومی (ر) (دو عامادعت و ایمان با یکدیگر قابا هما نیستند، چنان‌که از رسول اهلل (ص) نقا اردیده که هیچ‌ی از اعمال علادی بدعت اوار مانند نماز، روزه، صدقه، ح، عمره و ههاد پویرفته نمیشود) ابیماهه، بیتا، ج، 5 ص، 53) و حتی خداوند توبه‌وی را قلول نواهد رد. چرا که علقه به ایی ار (در تمام وهود وی نفو نموده است). (لینی، 5177 ج، 5 ص، 11)

معرفی غالیان به عنوان بدعتگذار در کالم معصومین (ع) (باتوجه به 1-2-2).

شهرت لالیان و ایی که بیشتری تحریفاتی که از هانب آنان در امور دینی صورت گرفته است، حوزه عقیده را شاما میشود و نه عما، از ایرو در بیشتر علاراتی که در توصیف و شناسایی ایی اروه توس میصومی (ر) بیان اردیده است، در مقایسه با بدعتاوری، بر دروغاویی آنان تأید بیشتری صورت گرفته است.

جایگاه کذب و بدعت در تضعیف غالیان 66

با ایی وهود در منابا روایی با نمونه‌های محدودی مواهه هستیم که میتواند نمایانگر رابطه بدعت با للو باشد.

یکی از لالیانی که در الم میصومی (ر) صراحتا بر بدعت اواری وی تأید شده، فارس بی حاتم قزوینی است. بر ملنای روایت شکی از محمد بی عیسی بی علید، امام هادی (ر) صراحتا دستور قتا فارس بی حاتم را صادر نموده و حتی برای فردی که ایی فرمان را به انجام برساند، ورود به بهشت را یمانت نمودند. (وسی، 5392 5772) بر اساس همی روایت فردی که نام هنید موفافه انجام

ایی دستور امام هادی (ر) اردید. در همی روایت راوی در توییح علا صدور
ایی دستور توس امام (ر) می اوید: فارس در میان مردم به فتنه انگیزی پرداخت
ته و آنان را به بدعت دعوت مینمود و از ایی رو بوده از ناحیه امام هادی (ر)
نامهای در مومت وی صادر اردید

در ایی توقیا شریف صادر شده از ناحیه حیرت با چهار قرینه قطبی مواهه هستیم ه
عدم صدور ایی حدیث از روی تقیه و یا سایر عواما مشابه را به آلات میرساند:
5- لیلی صریح، 2- اشاره امام (ر) به ایی ه وی با سوء استفاده از نام ایشان به
دنلال سبب منافا مادی برای خویا است، 3- اشاره به فتنهانگیزی وی در میان
مردم ه یکی از مصادیا آن ایجاد بدعت و دعوت مردم به سوی آن است، 1-
صدور هواز ری تی خون وی و دادن وعده بهشت به سی ه ایی فرمان را به
فرهام رساند

در ادامه همی روایت امام هادی (ر) نه تنها صریحا هنید را مأمور به قتا
فارس مینمایند بلکه حتی وی را در تبیی وسیله ای ه با آن میخواهد مأموریت
خود را انجام دهد، راهنمایی می نمایند. همان (برملنای از ارا شیخ مفید به نقا
از حسی بی محمد اشیری، هنید تا اوایا لیلت صغری در قید حیات بوده و
حقوج و مقرری از هاناب امام

حسی عسکری (ر) دریافت مینموده است. مفید، 5153 ج، 2، ص 321) به
سلب انحرأ عقیدتی آشکار فارس بی حاتم، روایات وی در منابا روایی شیبیه
ر نگردیده است؛ تنها شیخ وسی روایتی را از وی نقا نموده ه متی روایت با
فتوای مشهور فقها م الف است و از ایی رو شیخ وسی به توهیه و رفا تناقق
(میمون آن با قول مشهور پرداخته است. وسی، 5337 ج، 5، ص 579

فصلنامه علمی - پژوهشی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهرا (س)، سال، 13
پیاپی 31 66

عالوه بر شیخ وسی، خصیلی نیز روایتی از وی در الهدایه الکلی درباره
پیاپینی امام هادی (ر) از حادهای ه در مسیر شکار برای متو لارخ
خواهد داد، نقا نموده) خصیلی، 5153 ص 359) ه اللته برخی متی نس ه

(نونی ایی تاب را حاصا تصر لالیان دانستهاند.) صفری فروشانی، 5391 52

علی بی حسکه از دیگر لالت میاصر با امام هادی (ر) است ه در دوران امامت ایشان به است را و نشر دیداه های لالیانه و تصر در احکام دینی اهتمام داشته است. چنان ه برخی از شیعیان با نگارا نامه ای خطاب به امام هادی (ر) یمی تشریح دیداهای ابیحسکه از قلیا فایت شناخت امام (ر) از انجام واهلاتی چون نماز، ز ات، ح و روزه از ایشان در رابطه با وی سب تکلیف نمودند و امام هادی (ر) در پاسخ یمی نفی و تکویم ابی حسکه بر لزوم انجام واهلات تأید ورزیده و حتی برای پیروان چنی 5 دیداههایی مجازات نیز تییبی (نمودند.) وسی، 5392 3371

مغیره بی سید و ابوال طاب از دیگر افرادی هستند ه در الم میصومی (ر) به ور لیرمستقیم به عنوان بدعتوار شناسانده شدهاند؛ در منابعی روایی نمونههایی از ابداعات آندور اردیده ه یمی ایی ه مسیدی بر همراهی للو و بدعتاوری میباشد، نشان از آن دارد ه رواج بدعتهای لالیان منجر به مشته شدن برخی احکام شرعی بر شیعیان نیز شده بود

حشدا نا سشهدا بدیا زیشاد الیدشمی، قال، تَبَش بِشِدْقَر نَصَدْحَشَابِنَا بِلَى نَبِی الْحَشَشَنِی الْیَشِدْکَرِی ... - 5 (ر): هر یلتر فیدشاکش یشا سش یدی ینه عشلِیا بدی حششکْ یشداعی ننههر می نودلیشامی ش، وش ننه ش ننتش اُوالا اُلدیمیر، وش ننههر بشابر ش وش نلی ش نَمَشْرَتَهَر نَن یشددعروش یلی لی ش، وش یشزعرمر ننه الصالاة وش الزهاة وش الحش ا وش الصاودمش اب لی ش مشیدرفتا ش وش مشیدرفا مشی اَن فییهی میاا حشال ابدی حششکْ فیمشا یشداعی میی اللشابیا وش النیلرواة، فُهروش مرشمیی امیا سشق عشنهر الیاسدتییدلشاد بالصالاة وش الصاودم وش الحش، وش رَ هشمیاش شرامیا اللّبی ننه مشیدنی لی ش الوهی مشا کشتش ل ش، وش مشال النهاسر یلیدی بیبرا، فَإِنْ رَشْنِیدَتَش نَن تَمْرِیه عَشَلِی مشوشالی ش بچشوشاب، فی لی ش تانجیهمد میی الهشکْ قال، فَکَتَبَش (ر): وبش ابدیا حششکْ عشلیدی لیدنا اللهی وش بحشسدل ش ننوی لا نعدرفاهر فیی مشوشالیا مشا لهر لیشنهر اللهی! فوش اللهی مشا بشیشث اللهی مرحشامدا وش اُلنلیشاهش قلدلهر یلها بِالْحَشْنِیْفِیَا وش الصالاة وش الزهاة وش الصیشام وش الحش وش الوشلایش؛ وش مشا دشعشا مرحشامدل یلها بلی اللهی وشحدشهر لا شتری ش لهر، وش ولی ش نحدیا اُودصیششار میی ورلدیهی عشلیدر اللهی لا ناشت رکر بهی شیدنا، یَن رَشْچِمَشْنَا وش یَن عَشْصَشِیدْنَاهَرْ عَشْوهِشْنَا، مشا نا عَشَلِی اللهی میی حرجا، بشا لحر جاا لیللهی عشزه وش هشاه عشلیدنا وش عَشَلِی هشمییا خَلْقِیهی، نَبْدَرْنَا بِلَى اللهی میما یشقاولا لی ش وش نَنْتَقِی بِلَى اللهی میی هَشْوا الْقَوْل؛ فَاهْجِرْ رَاوَهْرْمَد لیشنهرمر اللهی وش نَلْجَاوَهْرْمَد بِلَى بییا الطهریا! فَإِنْ

به عنوان میال شیخ وسی در ایی باره روایتی نقا نموده است ه در آن راوی امان نموده خروج خون از بینی، قی ردن و ندن موی زیر بغا از ملطالت ویو هستند و از اییرو درباره حکم آنها از امام صادق (ر) سسال می ند و حیرت یمی لیی مغیره و تأید بر ایی ه وی منشأ رواج چنیی دیدااهاایی است، میفرمایند ه به هنگام خروج خون از بینی یا قی ردن شستی به تنهایی فافی است و نیازی به اعاده ویو

نمیباشد). وسی، 5177 ج 5⁵ همچنین لا روایات موهود پیروان ابوال
(ص 313 طاب

به تللیت از وی وقت نماز مغرب را تا زمان پیدایا ستارهای موهوم ه خود از آن تللیربه «قندانی» مینمودند، به تأخیر میافکندند و ایی عما خویا را به امام صادق (ر) نسلت میدادند ه حیرت یمی ملیون خواندن آنان شدیدا به انکار ایی امر (پرداختند). وسی، 5392، 1771 و 337

نتیجهگیری

ارچه آسیب در هر ی از عواما مس ر در پویرا روایات راوی میتواند منجر 5- به تردید در پویرا آنها اردد، اما با ایی وهود در شرایطی خاص میتوان از برخی از ایی آسیب ها چشمپوشی نموده و حکم به صحت روایات راوی نمود؛ آلات واب بودن راوی تنها عاملی است ه از دیدااه حدیثپژوهان فریقیی بدون هیچ استینایی تمام روایات وی را از حجیت ساق می نماید و براساس شواهد ارامه شده در الم میصومیی علیهم السالم و منابا رهالی لالیان هیچ ابایی از هیا و ویا حدیث نداشته و از ایی رو هر راوی ه لالی بودن وی ابت اردد، روایاتا از حجیت و اعتلار ساق خواهد بود

الْإِبْدِي الْوَرِيَاوَش فَقَالَ وَش مَشَا تَصَدَنَار بَهشَوَا فَهَشَوَا قَوْلَا الْمَرْغِيرَةِ بَدِي سَشِيْبِيْد لِيْشِي الْلَهْهَر
 الْمَرْغِيرَةِ وَش بِرْجَنْزِي ش مِيِي الرْبْعَشَا ي وَش الْقَيْدِي نَنْ تَغْسِيْلَهَر وَش لَا تَابِيْبِدَش الْوَرِيَاوَش. 2 - ...
 عَشِي زَرْشَارَشَةِ، قَالَ، قَالَ يَشِيْدِنِي نَبْشَا عَشْلَدِي الْلَهْهِي (ر) يْنَه نَهْدَا الْكُوفَ قَدْ نَزَلَ فِيْهَمْ وَهَابِل، ...
 وَش نَمَا نَبْرُو الْطَهَاب: فَكُوبِش عَشْلِيَا، وَش قَالَ يَنْوِي نَمَشْرَتَا هَر نَلْ يَرْصَشْلُوْش هَرُوْش وَش
 نَصْدَحْشَابِرْهَر الْمَشْعُرِش حَشْتَهِي يَشْرُودَا وَدِش وَآ يَرْقَالَ لَهَر الْقَانْدَشَانِي، وَش الْلَهْهِي يْنَه لِي ش لَكُودَبَل
 مَشَا نَعْدِرْفَا هَر. (وَسِي، 5392، 177 و 337). از امام صادق (ر) روایت دیگری نیز در همی باره و
 در نقد آن نقل کرده است: «مَشْلُيْرُون مَشْلُيْرُون مَشِي نَخَهَر الْمَشْعُرِش لَلَا لِيْفَيْلِيْهَشَا وَش قِيَا لَهَر يْنَه نَهْدَا
 الْبِيْرَاجِ يَرْسُخُورَاوَنَ الْمَشْعُرِش حَشْتَهِي تَشْتَلِر النَّجْرُومَر فَقَالَ هَشُوا مِيِي عَشْمَشَا عَشْدُرُو الْلَهْهِي نَبِي الْ
 (طَهَاب). (صدوج، 5153، ج 5، ص 227

فصلنامه علمی - پژوهشی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء(س)، سال 13،
 پیاپی 31 67

باو هود ایی ه واژه وب و مشتقات آن از واژه های م اربرد در منابع علم 2-
 رها ل است، اما با ایی حال حداقی سوم از موارد اربرد ایی واژه اختصاص به
 توصیف لالیان یافته است
 در الم امامان شیییه علیهم السالم سه دسته از راویان با عنوان واب 3-
 میرفی شده اند از ایی میان لالیان پرتیدادتری دسته هستند ه شدیدتری
 .علا رات درباره آنان به ا رفته است
 سل بیانی مشابه میصومی علیهم السالم در توصیف لالیان و ایی ه از امام 1-
 سجاد علیهم السالم تا امام هادی علیهم السالم روایاتی در هر لالیان صادر ا ر دیده است،
 حکایت از وحدت رویه و استمرار هریان للو در ایی بازه زمانی دارد
 بدعتا واری و هیا احکام و قوانینی بدیا و نوپدید، دیگر عاملی است ه منجر به 1-
 هر لالیان در الم میصومی علیهم السالم و منابع رهای ا ر دیده است

منابع:

قرآن کریم -

الصحیفة السجادیة -

ابی ابیحاتم الرازی، (5375ج)، الجرح و التعدیل، بیروت: دار یحیاء التراث الیربی. -
 ابیا یر، مجدالدیی ملارک بی محمد، (5321)، النهایه فی غریب الحدیث و الثر، تحقیقا

اھر اء الزاوی و ءموء ءء الطءاى؁ ء؁ 1 ءم: مسسة اسماعیلان

ابیانس؁ ءال؁ (5172ء؁) الموطأ؁ ءءقیا ءء ءساد عءءالاقی؁ بیروء: ءار یءیا -

ءءرا

ء

الیری

.

ابیءر عسقالنی؁ اءء بی علی؁ (بیا)؁ ءءء الباری؁ بیروء: ءار المیرفه. - -

_____؁ (5337ء؁) لسان المیزان؁ ء؁ 2 بیروء: مسسة اعلمی

للمطلوءاء. - ابیءزم؁ نبوءء علی بی ءءء؁ (بیا)؁ الأحكام؁ ءاھره: مطلیه

الیاصمه. - ابیءنلا؁ اءء بی ءءء؁ (بیا)؁ مسند؁ بیروء: ءار صاءر

ابی ءیون؁ نیءان بی ءءء مغربی؁ (5391ء؁) ءعائم الإسلام؁ ءصءیء آصف -

ف

ی

ی

-

-

ی

؁

ق

م

:

م

س

س

س

ه

آ

ل

ا

ل

جایگاه کذب و بدعت در تضعیف غالبان 67

- ابیداد حلی، حسى بی على، (5312)، الرجال، تهران: انتشارات دانشگاه تهران. - -
ابیشیله حرانى، (5323)، تحف العقول عن آل الرسالاول ()، تصحيح عليا لر
لفارى، قم: هاميه مدرسيه
ابيلامرى، احمد بى حسي، (5122ج)، الرجال، تحقيا سيد محمد ريا حسيني هاللى، قم، -
دار الحديث
ابيفارس، احمد بى فارس، (5171ج)، معجم مقاييس اللغة، قم: دفتر تليغات اسالمى. - -
ابيماهه (بالقروينى)، محمد بى يزد، (بى تا)، سالالن ابنماجه، تحقيا محمد فساد
عداللاقى، بيروت: دار الفكر
ابيمنظور، محمد بى مكرم، (5151ج)، لسالن العرب، تصحيح همالادى ميردامادى، -
بيروت:
دار الف
كر.
نستربادى، محمد بى على، (5122ج)، منهج المقال فى تحقيق احوال الرجال، -
قم: موسسه آل الليت (ر) إحياء
النراث.
بحرانى، يوسف بى احمد، (5323)، الحدائق الناظره فى احكام العتره الطاهره، قم: -
مسسسه النشر
الإسالمى.
ب ارى، محمد بى اسماعيا، (5175ج)، الجامع الصالاحي (ى صحيح الل -

اری،)

بیروت:

دارالف

کر.

حام نیشابوری، محمد بی عداھلل، (5177ج)، معرفه علوم الحدیث، ج1، بیروت: -

دارال

فاج

الحدیث

.

حراعلی، محمد بی حسی، (بی تا)، الثنا عشالریه ، تیلبا سید مهدی الزوردی -

حسینی و شیخ محمد درودی،

قم: دارالکتب الیلمیه

حلی، حسی بی یوسف، (5371ا)، مختلف الشالیعه فی احکام الشریعه ، قم: -

مسیسه

ال نشر

الإسلامی.

_____، (5373ا)، منهاج الکرامه، تحقیا عدالرحیم ملارک، قم: -

هادی. - خصیلی، حسی بی حمدان، (5153ج)، الهدایه الکبری،

بیروت: بالغ.

خطیب بغدادی، احمد بی علی، (5171ج)، الکفایه فی علم الروایه، تحقیا احمد عمر -

ه

ا

ش

-

-

م

،

ب

ی

ر

فصلنامه علمی - پژوهشی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء(س)، سال، 13
پیاپی 31 67

دمشقی، ابومحمد عزالدی بی علدالسالم، (بی تا)، قواعد الأحكام فی مصالح الأنام، -
تحقیقا محمود بی التالمید الشنقیطی، بیروت:
دارالمیار .

رحمان ستایا، محمد اظم و اعظم فرهامی، (5337)، «تحلیا روایات حکم بی -
عتیلہ و و انتسابا به زیدیه»، کتاب قیم، سال
اول، ا، 3 ص. 571

سلحانی، هیفر، (5152ج)، البدعه، مفهوما، حدها و آثارها، قم: یعماد. - سید -
مرتیی(علم الهدی)، علی بی حسیی، (5171ج)، رسائل الشریف المرتضی، تحقیقا سید

مهدی رهایی، قم: دارالقرآن الکریم

سیو ی، هلالالدی عدالرحمی، (بی تا)، **تدریب الراوی**، تحقیق عدالوهاب -
عداللطیف، ریا: مکتله
الریا الحدیبه

شالی، ابواسحاق ابراهیم بی موسی، (بی تا)، **الاعتصام**، بیروت: دارالکتب الیلمیه. - -
شییری، محمد بی محمد، (بی تا)، **جامع الأخبار**، نجف: مطلیه حیدریه. - شهرزوری،
عیمان بی عدالرحمی، (5152ج)، **مقدمه ابن الصالالاح**، تصحیح و تری نبو
عدالرحمی صال بی محمد بی عویق، بیروت: دارالکتب الیلمیه
شهرستانی، محمد بی عدالکریم، (5151ج)، **الملل و النحل**، چ، 3 لنان: دارالمیرفه. - -
شهید اول، محمد بی مکی، (5377)، **ذکر الشالیعه فی احکام الشریعه**، قم:
(موسسه آل اللیت)ر

_____، (بی تا)، **القواعد و الفوائد**، تحقیق عدالهادی سید محسی، قم: تابفروشی -
مفید

شهید انی، زبی الدبی بی علی عاملی، (5131ج)، **شرح البدایه فی علم الدرايه**، -
تحقیق سید محمد ریا حسینی هاللی، قم: منشورات یباء
الفیروزآبادی

_____، (5179ج)، **الرعايه فی علم الدرايه**، تحقیق و تبلیا عدالحسی محمد -
علی بقال، چ، 2 قم: مکتله آیة اهل الیظمی
المرعشی النجفی

صلحی صالح، (2773م)، **علوم الحدیث و مصطلحه**، بیروت: دارالیم. - -
صدوج، محمد بی علی بی بابویه، (5151ج)، **إعتقادات الإمامیه**، قم: نگره شیخ
مفید. - _____، (5339ج)، **التوحید**، تحقیق هاشم حسینی، قم: هامیه
مدرسی. - _____، (5322)، **الخصال**، تصحیح علیا لر لفاری، قم: هامیه
مدرسی

جایگاه کذب و بدعت در تضعیف غالبان **67**

_____، (5397ج)، **عیون اخبار الرضا (ع)**، تحقیق مهدی الهوردی، تهران: -

نشر

ههان

.

_____، (5153ج)، من اليحضره الفقيه، تصحيح عليا لر لفاري، قم: دفتر -

انتشار

ات

اسالم

ی.

صفار، محمد بی حسی، (5171ج)، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد ()، -
تصحیح محسی بی علاسلی وچهالی، قم: مکتله آیه اهلل
المرعشی النجفی.

صفری فروشانی، نیمت اهلل، (5391)، «حسی بی حمدان خصیلی و تاب الهدایه -
الکری»،

ظنوع، 52،

ص.51

_____، (5379)، غالیان (کاوشی در جریانها و برآیندها)، مشهد: بنیاد -

پژوهاهای

اسالمی.

ریحی، ف رالدی بی محمد، (5371)، مجمع البحرين، تحقیا احمد حسینی -
اشکوری،

تهران:

مرتیوی

وسی، ابوهیفر محمد بی حسی، (5392)، اختیار معرفه الرجال=رجال الکشالال -
ی)، تحقیا و تصحیح محمدتقی فایا میلدی، سید ابوالفیا موسویان، تهران: سازمان
چا و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسالمی

_____، (5337ج)، الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، تحقیا حسی -

موسوی خرسان، تهران:

دارالکتب الإسلامیه

_____، (5177ج)، تهذیب الأحکام، تحقیا حسی موسوی خرسان، تهران: -

دارالك

تب

الإسلاميه

.

_____، (5373ا)، رجال الطوسي، تحقيقا هواد قيومي اصفهاني، قم: مسسسه -

النشر

الإسلامي

_____، (5157ج)، العده في اصول الفقه، تحقيقا محمد ريا النصاري القمي، -

قم:

ستار

هـ.

_____، (5155ج)، الغيبة، قم: دارالميار السالميه -

_____، (بيتا)، الفهرست، نجف: المكتله المرتيويه -

عاملي، حسي بي زي الدي، (5322ا)، منتقى الجمان، تصحيح عليا لر لفاري، قم: -

م

س

س

س

ه

ا

ل

ن

ش

ر

ا

إ

ل

س

ا

ل

فصلنامه علمی - پژوهشی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء(س)، سال، 13
پیاپی 31 67

عیاشی، محمد بی مسیود، (5397ج)، **تفسالیر العیاشی** ، تصحیح هاشم رسولی -
محالتی،
تهران:
المطلبه
العلمیه.

فراهیدی، خلیا بی نعمد، (5157ج)، **کتاب العین** ، تحقیا مهدی الم زومی و -
ابراهیم السامرامی، ج2،
قم: دارالهجره

فیومی، احمد بی محمد، (بیتا)، **المصباح المنیر**، قم: دارالریی -
لینی، ابوهیفر محمد بی بیقوب، (5177ج)، **الکلافی** ، تصحیح علیا لر لفاری و -
محمد آخوندی، تهران:
دارالکتب الإسلامیه

مامقانی، علاهل، (5155ج)، **مقباس الهدایه فی علم الدرایه**، تحقیا محمد ریا -
مامقانی، قم: مسسه آلالت
(ر) (إلحیاء التراث

مجلسی، محمد باقر، (5173ج)، **بحار الأنوار**، بیروت: داریحیاء التراث الیری. - -
مفید، محمد بی محمد، (5153ج)، **الرشاد فی معرفه حجج اهلل علی العباد**، تحقیا
مسسه آلالت (ر)، قم: نگره شیخ مفید

_____، (5151ج)، **تصحیح اعتقادات الإمامیه**، تحقیا حسینی دراهمی، قم: -
نگره
شیخ
مفید.

مالصدرا، محمد بی ابراهیم، (5393)، **شالالرح اصالالول الکافی**(صالالدر)، -

تصحیح محمد خواہوی، تہران: مہسسہ

مطالیاۃ و تحقیقات فرہنگی

نجاہی، احمہ بی علی، (5321)، رجال النجاہی، قم: مہسسہ النشر الإسلامی. - -

نراقی، مولی احمہ، (5157ج)، عوائد الایام فی بیان قواعد الأحکام، قم: انتشارات
دفتر تللیغات اسلامی